

سلام اللطيف



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دوره تحصیلات تکمیلی

نقش اسلام‌گرایی در روابط ایران و انگلیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی

استاد راهنما: آقای دکتر تخشید

اساتید مشاور

آقای دکتر قاسم شعله سعدی آقای دکتر عبدالله رمضان زاده

اساتید داور

آقای دکتر قاسم افتخاری آقای دکتر یوسف مولایی

خانم دکتر شاهسوند آقای دکتر هوشنگ مهدوی

مهرماه ۱۳۸۸

۱۳۸۸/۱۲/۹

مرکز مطالعات و تحقیقات علمی
توسعه

شهر بانو علی‌دادی

رساله برای اخذ درجه دکترای رشته روابط بین‌الملل

۱۳۲۲۰۱



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی روابط بین الملل
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : خانم شهر بانو علیدادی تلخستانی

در رشته : روابط بین الملل گرایش :

با عنوان : نقش اسلام گرایی در روابط ایران و انگلیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی

ارزیابی نمود .

را در تاریخ : ۸۸/۷/۲۷ با درجه **بسیار خوب**

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبیه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر محمدرضا تخشید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر قاسم شعله سعدی	استادیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر عبدالله رمضانزاده	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر پریچهره شاهسوند	استادیار	دانشگاه آزاد واحد کرج	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	استاد	دانشگاه امام صادق (ع)	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر یوسف مولایی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر قاسم افتخاری	استاد	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



فهرست مطالب

مقدمه	۶
بخش اول: روابط ایران و انگلیس	۲۷
فصل اول: پیشینه تاریخی روابط ایران و انگلیس	۲۹
۱. فرآیند تاریخی روابط ایران و انگلیس تا ۱۹۵۰	۲۹
۲. تاثیر جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد بر روابط ایران و انگلیس	۳۲
۳. قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس	۴۲
۴. دوران گسترش همکاری‌ها و بازسازی روابط اقتصادی ایران و انگلیس	۵۷
۵. همکاری تسلیحاتی - دفاعی ایران و انگلیس	۶۲
۶. رویکرد و نگرش انگلیس به انقلاب ۱۳۵۷ ایران	۶۶
جمع‌بندی	۷۲
فصل دوم: فراز و فرودهای روابط ایران و انگلیس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	۷۴
۱. ادراکات و ایستارهای سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی	۷۴
۲. شاخص‌های هنجاری - ایستاری در فرهنگ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۸۰
۳. مقابله با یکجانبه‌گرایی و مصالحه‌گرایی مرحله‌ای	۹۱
۴. تاثیر هنجارها و عملکرد جمهوری اسلامی ایران بر روابط متقابل	۹۲
۵. الگوی رفتار انگلیس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	۹۶
۶. مواضع انگلیس در ارتباط با فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران	۱۲۷
۷. مبارزه با تروریسم و روابط جمهوری اسلامی ایران و انگلیس	۱۳۱
جمع بندی	۱۳۳
فصل سوم: نظریه پردازی در سیاست خارجی	۱۳۶
۱. متغیرهای تاثیرگذار در سیاست خارجی	۱۳۷
۲. عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان	۱۴۶
۳. نقش سنت‌های تاریخی انگلیس در سیاست خارجی	۱۵۲
۴. روابط ویژه امریکا - انگلیس در سیاست خارجی	۱۵۳
۵. مبانی و جهت‌گیری سیاست خارجی انگلیس نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۱۵۵

۱۵۷	جهت‌گیری دفاعی و استراتژیک انگلیس.....
۱۵۸	مولفه‌های هویتی در سیاست خارجی انگلیس.....
۱۶۰	فرآیند سیاست‌گذاری خارجی در بریتانیا.....
۱۶۶	فرآیند سیاست‌گذاری خارجی در جمهوری اسلامی ایران.....
۱۶۹	جمع‌بندی.....
۱۷۲	بخش دوم: بررسی فرضیه‌های رقیب.....
	فصل چهارم: بررسی ساختار نظام بین‌الملل و سیاست خارجی انگلیس در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران.....
۱۷۴	۱. ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌الملل (۲۰۰۵ - ۱۹۷۹).....
۱۸۲	۲. ساختار بی‌قطبی و تعامل سازنده.....
۱۸۳	۳. کنترل همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در استراتژی تعامل سازنده.....
۱۸۶	جمع‌بندی.....
۱۸۷	فصل پنجم: نقش مولفه‌های جغرافیایی - جغرافیه‌نگی در ساختار بین‌المللی (۱۹۷۹ - ۲۰۰۵).....
۱۸۷	۱. ظهور اسلام‌گرایی و تحولات جغرافیه‌نگی در ساختار نظام بین‌الملل.....
۱۸۹	۲. جغرافیایی مقاومت در برابر ساختار غرب محور.....
۱۹۰	۳. صدور انقلاب و گسترش دگرگونی‌های جغرافیایی - جغرافیه‌نگی.....
۱۹۳	۴. انگلیس و سیاست حفظ وضع موجود.....
۱۹۸	۵. مقابله با اصول‌گرایی اسلامی در خاورمیانه.....
۲۰۰	جمع‌بندی.....
۲۰۵	فصل ششم: همسویی منافع انگلیس و آمریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران.....
۲۰۵	۱. فرآیند و نشانه‌های همسویی نسبی سیاست خارجی انگلیس و آمریکا.....
۲۰۶	۲. پیشینه همکاری و همسویی انگلیس و آمریکا.....
۲۱۰	۳. روند شکل‌گیری روابط ویژه در همکاری‌های متقابل انگلیس و آمریکا.....
۲۱۱	۴. بازسازی الگوی همکاری‌های ویژه بعد از جنگ سرد.....
۲۱۳	۵. عوامل موثر در شکل‌گیری همکاری و همسویی نسبی انگلیس و آمریکا.....
۲۱۸	جمع‌بندی.....

فصل هفتم : مشابهت‌های سیاست خارجی انگلیس و آمریکا	۲۱۹
۱. مشابهت نسبی سیاست خارجی انگلیس و آمریکا در برخورد با انقلاب اسلامی ایران	۲۲۲
۲. مشابهت نسبی سیاست خارجی انگلیس و آمریکا در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران	۲۲۴
۳. مشابهت نسبی سیاست خارجی انگلیس و آمریکا در برخورد با اسلام‌گرایی	۲۲۵
جمع بندی	۲۲۸
بخش سوم : آزمون فرضیه اصلی	۲۳۳
فصل هشتم : ادراک انگلیس از اسلام‌گرایی جمهوری اسلامی ایران	۲۳۶
۱. تبیین اندیشه اسلام‌گرایی در قالب شرق‌شناسی جدید	۲۳۸
۲. شاخص‌های اسلام‌گرایی و کنش مسلمانان در انگلیس	۲۴۰
۳. مقابله با آرمان‌گرایی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران	۲۴۲
۴. متهم‌سازی جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تروریسم	۲۴۶
۵. تضاد بین اسلام و دموکراسی	۲۴۹
۶. اسلام‌گرایی به عنوان جایگزین تهدید کمونیسم	۲۵۲
جمع‌بندی	۲۵۵
فصل نهم : رویکرد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اسلام‌گرایی	۲۵۷
۱. اسلام‌گرایی با رویکرد امام خمینی (ره)	۲۵۹
۲. نقد اندیشه سیاسی غرب	۲۶۱
۳. ساختار سیاسی و نهادهای اجتماعی در ایران بعد از انقلاب	۲۶۴
جمع‌بندی	۲۶۶
فصل دهم : بازتاب ادراکات در رفتار متقابل سیاسی	۲۶۹
۱. ایستار اسلام‌هراسی و سیاست انگلیس نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۲۷۰
۲. مقابله با کنش‌گرایی گروه‌های اسلامی	۲۷۷
جمع بندی و نتیجه‌گیری نهایی	۲۹۳
فهرست منابع	۳۰۱

تقدیر و تشکر

در تالیف این رساله از راهنمایی جناب آقای دکتر تخشید که در ارتقای کیفی رساله کمک کردند، بهره جستهم که از ایشان قدردانی می‌نمایم. بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای دکتر میردامادی که پیش از این راهنمایی رساله را برعهده داشتند و در تهیه و تدوین آن مشفقانه یاری رساندند، همچنین اساتید مشاور و داور که نکات ارزشمندی را یادآور شدند، سپاسگزاری کنم.

چکیده

روابط ایران و انگلیس در دوران بعد از انقلاب اسلامی با نوسانات پر دامنه همراه بوده و همواره موضوعی برای تشدید تضادهای سیاسی و امنیتی وجود داشته است. این امر مخاطرات سیاسی بیشتری را برای بازسازی روابط متقابل به وجود آورده است. سوال اصلی رساله حاضر اینست که چه عاملی موجب سردی و تنش‌های مکرر در روابط جمهوری اسلامی ایران و انگلیس شده است. در پاسخ به این پرسش سه فرضیه زیر مطرح شد:

- ۱- خواست انگلیس برای حفظ ساختار نظام بین‌الملل
- ۲- همسویی منافع انگلیس با ایالات متحده آمریکا و تبعیت از سیاست‌های آن کشور
- ۳- ادراک انگلیس از اسلام‌گرایی جمهوری اسلامی ایران

از میان فرضیه‌های فوق، دو فرضیه اول بعنوان فرضیه رقیب با استفاده از روش کیفی (گروه شاهد) مورد بررسی و آزمون قرار گرفته، به این نتیجه منتهی شد که: اولاً ساختار نظام بین‌الملل در برخورد با جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان داد، اما ایران تلاش نمود تا قواعد و مقررات مربوط به ساختار نظام بین‌الملل را رعایت کند. ثانیاً همسویی آمریکا و انگلیس نیز با وجود اینکه در موارد زیادی بعنوان متغیر مهم در روابط ایران و انگلیس دخیل بوده، اما نمی‌تواند علت اصلی وجود تنش و سردی در روابط ایران و انگلیس در نظر گرفته شود. البته مقوم فرضیه اصلی محسوب می‌گردد. فرضیه اصلی به روش اثباتی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته، مشخص گردید که مهمترین موضوع تضاد در روابط ایران و انگلیس، نوع برداشت آنان از شکل‌بندی و ماهیت اسلام‌گرایی است که باید آن را در رده تعارضات ذاتی و بنیادین مورد توجه قرار داد.

رهیافت نظری مورد استفاده در این رساله سازه‌نگاری است. براساس شاخص‌های نظری، مولفه‌های ادراکی، قالب‌های هویتی، ایستارهای سیاسی و همچنین تصورات ارزشی رهبران سیاسی انگلیس با تفاوت مشهودی نسبت به ساختار و فرایندهای سیاسی رهبران سیاسی ایران همراه بوده، این امر عامل بازتولید تعارض در روابط متقابل بوده است.

تشکیل دولت‌های ملی در نظام روابط بین‌الملل، مفهوم جدید سیاست خارجی را در مناسبات و روابط بین جوامع انسانی مطرح نمود که براساس منافع ملی تبیین می‌گردد. دولت ملی بعنوان کنشگر بین‌المللی از طریق سیاست خارجی و با انجام تلاش‌ها و اتخاذ تصمیمات فرا مرزی در پی کسب و ارتقای منافع ملی بر می‌آید. اما به رغم ثابت ماندن مهمترین بنیادهای منافع ملی هر کشوری همچون بقا و استقلال آن، تامین امنیت کشور، حفظ ارزشهای اساسی نظام و ایجاد رفاه برای ملت، سیاست خارجی کشورها دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی است که بر اثر عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی رخ می‌دهد.

سیاست خارجی دولت‌ها در حقیقت بیانگر نحوه نگرشی است که آنها نسبت به محیط پیرامون خود و پویایی‌های آن دارند. این طرز تلقی به نوبه خود محصولی است از تلفیق تحولات عینی (محیط عملیاتی) و عناصر ذهنی (محیط ادراکی - روانشناختی) که در شکل‌گیری الگوهای رفتاری و کنش متقابل دولت‌ها با یکدیگر و با دنیای اطرافشان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نماید. به اعتباری می‌توان سیاست خارجی دولت‌ها را به منزله مجموعه‌ای از ارجحیت‌ها، مقوله‌بندی‌ها، معیارها و قضاوت‌ها تلقی نمود که ضمن تأثیرپذیری از رخدادها و واقعیات درونی و بیرونی به ادراک و برداشت هر دولت از درجه اهمیت و تعیین‌کنندگی این واقعیات جهت بخشیده و به میزان زیادی نحوه عمل و شیوه برخوردشان را با آنها مشخص می‌سازد.

هر دولت به واسطه تفاوت و اختلاف در مبانی فکری - فلسفی و وضعیت اجتماعی در مواجهه با جهان پیرامون و مؤلفه‌ها و رویدادهای آن دیدگاه و نگرشی متفاوت از دیگران را ارائه می‌نماید. تفاوت ادراک و نگرش‌ها به نوبه خود، اختلاف در ارزیابی وقایع و موضوعات و ناهمگونی در کنش‌ها و الگوهای رفتاری را برمی‌انگیزد که این امر نیز ممکن است به رقابت، تقابل و حتی ستیز و خصومت میان دولت‌ها منجر شود (نوروزی ۱۳۷۹: ۱۱۹).

ادارک‌ها نحوه نگرش، باورها و تصوراتی هستند که انسان‌ها نسبت به شرایط محیطی و دنیای اطراف خود دارند و براساس آنها نسبت به رویدادهای جهان اطراف خود واکنش نشان می‌دهند. ادارک‌ها تحت تأثیر شرایط گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بیولوژیکی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی به وجود می‌آیند و برهمین اساس از فردی به فرد دیگر متفاوت هستند. ادارک‌ها به عنوان یکی از عوامل مهم اثرگذار بر سیاست خارجی کشورها، موضوع مطالعات سطح تحلیل خرد در روابط بین‌الملل هستند و رویکردهای مختلف روابط بین‌الملل اعم از اثبات‌گرایی، عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی به نقش این عامل توجه کرده‌اند.

در عرصه روابط بین‌الملل، تصویری که سیاستگذاران از واقعیت‌ها و شرایط محیط بین‌الملل، متعارض بودن یا نبودن خواست‌ها و منافع دیگران یا داده‌های سیاست خارجی، مطلوب بودن یا نامطلوب بودن رفتارهای گوناگون بازیگران مختلف سیاست بین‌المللی دارند، درک آنها از نظام بین‌الملل را به وجود می‌آورد. این ادارک‌ها که تحت تأثیر اطلاعات، ارتباطات، باورها، نظام‌های اعتقادی و ارزشی، شرایط تاریخی و جغرافیایی و شرایط بیولوژیک گوناگون و متفاوتی به وجود می‌آیند از فردی به فرد دیگر متفاوت هستند (قوام ۱۴۰-۱۳۹: ۱۳۷۲).

نظریه پردازان ذهن‌گرای روابط بین‌الملل که تأثیر پویای تصمیم‌گیری را بر شکل‌گیری، اخذ و اجرای تصمیم‌های سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌دهند، معتقدند که رفتار هر کشور در روابط بین‌الملل نتیجه ذهنیت تصمیم‌گیرندگان آن است. نظریه‌پردازانی چون /سنایدر و همکارانش و خانم و آقای /اسپروت معتقدند برای درک کنش و واکنش بین کشورها لازم است تا نیروهای تأثیرگذار بر ذهنیت تصمیم‌گیرندگان و در نتیجه ادراکات آنها مورد بررسی قرار گیرند (سیف زاده ۱۳۷۸: ۳۰۳).

با توجه به موارد پیش‌گفته، در مطالعه سیاست خارجی کشورها می‌توان به عوامل مختلفی از جمله تأثیر ادراک هر کشور از دیگر کشورها و تأثیر این ادراک بر سیاست خارجی آن توجه کرد و آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد.

موضوع رساله حاضر به بررسی علل تغییرات در سیاست خارجی دو کشور ایران و انگلیس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. انگلستان در طول قرنهای گذشته همواره با ایران رابطه داشته و روابط بین دو کشور فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. امری که در روابط سیاسی برخی کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود اما روابط سیاسی ایران و انگلیس با توجه به پیشینه روابط سیاسی خوب دو کشور در زمان پهلوی و با عنایت به متفاوت بودن سیر این روابط با روابط ایران با دیگر قدرت‌ها مانند ایالات متحده آمریکا (که به قطع روابط سیاسی برای سالیان متمادی منجر شده است) و یا دیگر قدرت‌های اروپایی مانند فرانسه و آلمان (که از استمرار برخوردار بوده است) تحولات زیادی را به خود دیده است. این تحولات در حالی رخ داده است که وجه بارز نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب، تأکید بر «اسلامی بودن» آن است و انگلستان دارای روابط خوبی با کشورهای اسلامی است.

می‌توان عوامل چندی را بعنوان علل فراز و نشیب‌های روابط سیاسی دو کشور در نظر گرفت. اما پیش از پرداختن به این عوامل مرور مختصر تحولات روابط سیاسی دو کشور به منظور ارائه تصویری از بحران‌ها و تنش‌ها در روابط دو کشور ضروری می‌نماید.

با نگاهی به کتب تاریخی به خوبی مشاهده می‌گردد با آنکه انگلیس زمانی بزرگترین امپراطوری استعماری جهان بوده است و عظمت این امپراطوری چنان بود که می‌گفتند آفتاب در آن غروب نمی‌کند، ایران مستعمره آن نگشت. در واقع ایران بعنوان دولت حائل با روسیه محکوم به استقلال بود^۱ اما همین تاریخ گواه است که هیچ کشوری به اندازه انگلیس در ایران نفوذ و سلطه نداشته است.

اولین ارتباط میان دو کشور در دوران صفویه و بر پایه روابط تجاری برقرار گردید و سپس روابط سیاسی با انعقاد قرارداد ایران با کمپانی هند شرقی در ۱۸۰۱ میلادی (۱۲۱۵ هجری قمری) در زمان قاجاریه برقرار شد. ضعف پادشاهان قاجار به نفوذ سیاسی و اقتصادی قابل توجه انگلیس در ایران منجر گردید. از جمله امتیازهای مهم اقتصادی انگلیس، امتیاز نفت جنوب بود که به ویلیام ناکس دارسی اعطا گردید و بعدها موجب نفوذ و دخالت بسیار این کشور در ایران شد (آوری ۱۳۶۳: ۹۵ - ۹۲).

در سال ۱۹۰۷ انگلیس با انعقاد قرارداد با روسیه، تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف را پذیرفت. در سال ۱۹۱۵ انگلیس و روسیه طی قراردادی دیگر، ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کردند که وقوع جنگ جهانی اول و پس از آن تاسیس اتحاد جماهیر شوروی این نقشه را ناکام گذاشت. با وقوع کودتای اسفند ۱۲۹۹ هجری قمری (۱۹۲۱) و تاسیس سلطنت پهلوی، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلیس در این دوران افزایش یافت.

روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور در زمان حکومت پهلوی و تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در عالی‌ترین سطح قرارداد داشت و تنها استثناء در این دوره زمان ملی شدن صنعت نفت است که روابط دو کشور از مهر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قطع گشت. نقش انگلیس در طراحی این کودتا و همراهی ایالات متحده آمریکا در اجرای آن تاثیر عمیقی بر اذهان عمومی و بدبینی عمومی نسبت به سیاست‌های مداخله جویانه این کشور در ایران نهاد.

پس از انعقاد قرارداد کنسرسیوم روابط دو کشور روبه بهبود نهاد و پس از ۱۹۷۴ با افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش درآمد ایران روابط اقتصادی دو کشور گسترش یافت و ایران به وسیع‌ترین بازار صادرات انگلیس در خاورمیانه تبدیل شد (افراسیابی ۱۳۶۴: ۲۸۶).

درباره روابط درباریان، روحانیون و سایر طبقات مردم ایران و انگلیسی‌ها روایات بسیار زیادی در کتب تاریخی مشاهده می‌گردد. اعطای امتیاز نفت، انعقاد قرارداد استعماری ۱۹۱۹ که بعداً ملغی گردید و کودتای ۱۲۹۹ و بر سر کار آوردن حکومت طرفدار انگلیس در ایران خاطراتی است که از اذهان ایرانیان محو

^۱ این گفته به لرد کرزن وزیر خارجه بریتانیا در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۱۹ نسبت داده شده است.

نمی‌گردد. همچنین است ماجراهای واقعی و افسانه‌گونه نفوذ فراماسونری در ایران که مشحون از واقعیات ثبت شده در تاریخ روابط دو کشور است (محمدی ۱۳۷۷: ۱۵).

پس از جنگ جهانی دوم که به تدریج بریتانیا جایگاه خود را به عنوان امپراطور جهانی به قدرت نوظهور ایالات متحده امریکا واگذار می‌نمود، انگلستان همچنان نقش ممتازی را در مسائل مربوط به ایران ایفا کرده و حتی امریکایی‌ها برای تقسیم منافع نفت ایران به مذاکره و تقسیم منافع با انگلیسی‌ها پرداختند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دولت کارگری به نخست وزیری جیمز کالاهان در اسفند ماه ۱۳۵۷، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. یک ماه بعد نخست وزیر جدید اعلام نمود انگلستان در تصمیم خود مبنی بر به رسمیت شناختن دولت ایران تجدیدنظر خواهد کرد.

اخراج خبرنگار بی بی سی در سال ۱۳۵۸، خروج اتباع انگلیسی، بیرون کشیدن دارایی‌های ایران از بانک‌های انگلیسی و خروج سفیر انگلستان از تهران در خرداد ۱۳۵۹ رویدادهای بعدی در روابط دو جانبه است (عبادی ۱۳۷۳: ۲۳ - ۲۲).

پس از اشغال سفارت ایران در لندن در اردیبهشت ۱۳۵۹، انگلستان رسماً خبر کاهش فعالیت‌های سیاسی و اجرایی سفارت خود را در تهران در شهریور ۱۳۵۹، اعلام کرد. طی دوران جنگ عراق علیه ایران از شهریور ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۷ حمایت‌های انگلستان از عراق به صور گوناگون انجام پذیرفت که بر روابط ایران و انگلستان تأثیرگذار بود. سال ۱۳۶۳ سال بحران اخراج دیپلمات‌های دو کشور بود. در سال ۱۳۶۶ سطح روابط به حضور یک دیپلمات در تهران و لندن کاهش یافت و سرانجام در تیرماه کارکنان سفارت ایران در لندن به تهران بازگشتند.

در سال ۱۳۶۷، به ویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق، مذاکرات برای از سرگیری و بهبود روابط آغاز گردید و در پی نشست وزیران خارجه دو کشور مقرر گردید سفارتخانه‌های دو کشور در سطح کاردار بازگشایی شود. هنوز دو ماه از این امر نگذشته بود که انتشار کتاب آیات شیطانی نوشته سلمان رشدی و صدور فتوای امام خمینی مبنی بر مرتد بودن نامبرده به بحران و قطع کامل روابط سیاسی دو کشور منجر گردید.

مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۶۷ ادامه روابط را منوط به عذرخواهی دولت انگلیس نمود. پس از آنکه نخست وزیر و وزیر خارجه انگلیس با دو سال فاصله در خلال اظهارات خود به کفرآمیز تلقی کردن توهین به دین اسلام اشاره کردند و اصل احترام به اسلام به عنوان یک دین الهی را مورد تأیید قرار دادند مجدداً در آبان ۱۳۶۹ روابط سیاسی از سر گرفته شد (همان: ۳۰ - ۲۲۷).

در سال ۱۳۷۰ و بحران خلیج فارس تحرک بیشتری در روابط دو جانبه پدید آمد. اما مجدداً در تیرماه ۱۳۷۱ دور جدیدی از اخراج دیپلمات‌ها و گسترش ابعاد تنش فیمابین را شاهد بودیم این امر تحت تأثیر بحران سلمان رشدی قرار گرفت. سپس با آغاز ریاست دوره‌ای انگلیس بر جامعه اروپا بر حساسیت و اهمیت روابط بین دو کشور افزوده شد و ضرورت انجام گفتگوهای انتقادی با دولت ایران از سوی اتحادیه اعلام شد، که مدت ۵ سال ادامه داشت. در سال ۱۳۷۲ اظهارات مقامات انگلیسی در مورد جزایر ایرانی و در سال ۱۳۷۳ اتهامات انگلیس در رابطه با ارتش آزادیبخش ایرلند موانع ارتقای روابط دو کشور بود.

در سال ۱۳۷۴ موضوعاتی چون وقوع انفجارهای انتحاری در اسرائیل، طرح جدی مسأله صلح خاورمیانه و طرح مسأله بحرین از سوی مقام‌های انگلیسی؛ در سال ۱۳۷۵ بیانات جان میجر در اجلاس شرم‌الشیخ علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان عامل دخیل در بحران خاورمیانه و در سال ۱۳۷۶ رأی دادگاه میکونوس علیه مقام‌های ایرانی (که طی آن شخصیت‌های سیاسی و مذهبی عالی‌رتبه ایران به مشارکت در برنامه‌ریزی ترور چهار مخالف گرد ایرانی در آلمان متهم شدند) هر یک به نوبه خود زمینه ساز ایجاد تنش در روابط فیمابین شدند (نوازی ۱۳۸۰: ۶۲۰ - ۵۵۶).

پس از آغاز ریاست جمهوری آقای خاتمی مذاکرات جامع و فراگیر میان اعضای جامعه اروپا و ایران جایگزین مذاکرات انتقادی پیشین شد و در سال ۱۳۷۷ که این مذاکرات در تهران آغاز گردید انگلستان آن را از موفقیت‌های خود برشمرد. در این زمان مسائل مورد علاقه دو طرف مثل افغانستان، عراق، چین و مسائل منطقه‌ای نفت و گاز و همکاری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر، زمینه گسترش روابط را فراهم می‌نمود. خاتمی در ملاقات با رابین کوک در حاشیه اجلاس مجمع عمومی در نیویورک اعلام کرد که قضیه رشدی را تمام شده می‌انگارد و متقابلاً کوک گفت که خطر علیه جان رشدی کم‌تر شده است. سرانجام در سال ۱۳۷۹ وزیر خارجه ایران وارد لندن شد. این اولین دیدار یک مقام رسمی ایرانی از انگلیس بعد از پیروزی انقلاب بود. از این پس لحن و محتوای مطالب و موضعگیری‌های مقامات انگلیسی در قبال جمهوری اسلامی ایران بهتر شد. در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی با حساس شدن پرونده هسته‌ای ایران تماس بین مقامات دو کشور افزایش یافت. بعد از ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا و انگلیس به افغانستان و عراق، از یک سو انگلیس همراه با امریکا اتهام حمایت از تروریسم را به ایران وارد می‌کرد و از سوی دیگر به نقش مثبت ایران در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و نیز تحولات افغانستان اشاره می‌نمود. در دوره خاتمی پس از گذشت ۲۰ سال از پیروزی انقلاب روابط دو کشور از سطح کاردار به سفیر ارتقاء پیدا کرد. در این دوره وزیر امور خارجه انگلستان چند بار به تهران سفر کرد.

با ملاحظه سیر تحولات روابط دو کشور و سطح روابط دو کشور در سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۵۷ این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که علی‌رغم روابط دیرینه بین دو کشور و نفوذ گسترده انگلستان در ایران در طول تاریخ چرا پس از تغییر رژیم در ایران دو کشور نتوانستند روابط پیشین را بدون وقوع بحران‌های متعدد ادامه دهند. چنانچه از زاویه دیگری به مسأله نگاه کنیم باید گفت باستثنای ایالات متحده امریکا و اسرائیل که علیه ایران مواضع خصمانه‌ای اتخاذ نموده‌اند، روابط جمهوری اسلامی با هیچ‌یک از دیگر قدرت‌های دنیا که انگلستان در زمره آنها قرار دارد در این حد با پیچیدگی، ابهام و فراز و نشیب همراه نبوده است.

بنابراین سؤال اصلی رساله حاضر این است که چه عاملی موجب سردی و تنش‌های مکرر در روابط جمهوری اسلامی ایران و انگلیس شده است؟

بررسی ادبیات

فقدان ادبیات در خصوص روابط معاصر میان ایران و انگلیس انگیزه دیگر تهیه این رساله است. توصیفات موجود در خصوص روابط میان ایران و انگلیس مطالبی منحصرأ تاریخی هستند. ابتدا مرور کوتاهی بر آثار مربوط به قبل از انقلاب اسلامی خواهیم داشت.

کتاب «پژوهشی در تاریخ معاصر ایران: برخورد شرق و غرب در ایران ۱۹۵۰ - ۱۹۰۰» نوشته مریم میراحمدی شامل ۵ فصل و یک ضمیمه شامل اسناد مهم و قراردادهای سیاست خارجی ایران در برهه زمانی فوق است. در پیشگفتار کتاب شیوه جستجوی منابع تشریح شده است. نویسنده در توضیح اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران تأکید می‌کند که مساعی فراوان دول خارجی و گرفتن امتیازهای مختلف در زمینه راه‌ها - بانک‌ها - بهره‌برداری از معادن، شیلات، گمرکات، قرضه‌های مالی و سرازیر شدن سیل مستشاران نظامی و مالی و نیز افزایش وابستگی اقتصادی، کشور ایران را به صورت سرزمین نیمه مستعمره در آورد که دولت و سران آن فاقد هرگونه آزادی عمل سیاسی بودند. فصل اول کتاب نیز بر نقش انگلیس در ایران اختصاص یافته و سپس در فصول بعدی نفوذ روسیه و آلمان و سرانجام امریکا در ایران شرح داده شده است. نویسنده به خوبی از اسناد و مدارک قراردادهای در تشریح موضوعات مطرح شده بهره گرفته است و در مجموع به نظر می‌رسد تلاش نموده همه مسائل را اگرچه به اجمال شرح دهد (میراحمدی ۱۳۷۱: ۶۵).

کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در ۸ مجلد و ۹۵ فصل شرح مبسوطی از ۱۵۰ سال تاریخ روابط

ایران و انگلیس است که عمدتاً به تاریخ روابط قرن ۱۹ اختصاص داده شده است، در این کتاب روابط ایران و انگلیس تا قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس و در نهایت وقایع و تحولات تا سال ۱۹۱۲ شرح داده شده است. این کتاب از نظر تاریخی اثری بسیار ارزنده است. نویسنده علاوه بر استمداد جستن از مستندات تاریخی مثل قراردادهای و پیمان‌نامه‌ها از بیشتر آثار نویسندگان انگلیسی نیز استفاده کرده است. تحولات جهانی قرن ۱۹ نیز که بر روابط و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در ایران تأثیرگذار بوده بررسی شده است. شرح مبسوط فراماسونری و فراماسونرها در ایران و نیز تشریح انقلاب کبیر فرانسه از این قبیل مطالب است که به سبک شیوایی به نگارش درآمده است. در عین حال مطالب کتاب که جنبه‌های تاریخی و گاه تحلیلی را در بر می‌گیرند کمتر از ابعاد نظری برخوردار است (محمود ۱۳۷۸).

کتاب تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی نوشته علیرضا امینی به تشریح نحوه روی کار آمدن رضاخان و سپس پسرش محمدرضا شاه و نقش و نفوذ کشورهای خارجی در ایران در دوره سلطنت پهلوی‌ها اختصاص دارد. در این کتاب توافق انگلیس و شوروی برای سلطنت محمدرضا شاه و کودتای ۲۸ مرداد و گسترش حاکمیت امریکا در ایران، تکمیل کننده نقش و نفوذ انگلیس در ایران قبل از کودتای ۱۲۹۹ دانسته شده است. در فصول پایانی کتاب، سیاست خارجی و روابط ایران با برخی کشورهای جهان به اجمال بررسی شده است. کتاب مذکور، دارای مطالب مستندی از تحولات و روابط دوران پهلوی‌هاست که نویسنده با مراجعه به منابع معتبر داخلی و خارجی و افزودن تحلیل‌های شخصی آن را به رشته تحریر در آورده و سعی کرده است با استفاده از اسناد و مدارک تحلیل علمی قابل قبولی از این دوره تاریخ ایران به دست دهد (امینی ۱۳۸۱).

کتاب تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، نوشته پیترو آوری استاد ایران شناسی در دانشگاه کمبریج است. این کتاب دوره تاریخی تاسیس سلسله قاجار تا تاسیس سلسله پهلوی و تا سال ۱۳۴۲ شمسی را در بر می‌گیرد. نویسنده از منابع متعدد فارسی و انگلیسی و فرانسه بهره گرفته و سعی نموده روال تاریخ نویسی علمی را دنبال کند. البته ناگفته نماند که در بیان واقعیات مهم تاریخی و ابعاد استعماری روابط بریتانیا با ایران یا به برخی واقعیتهای اشاره نشده و یا هنگام بحث از قراردادهای استعماری به گونه‌ای آنها را توجیه نموده که گویی همه آنها به نفع مردم ایران بوده است. در مجموع کتاب از تعصبات نویسنده در جهت منافع کشورش بی بهره نبوده است. البته در بررسی مسایل اجتماعی ایران در رابطه با اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور بسیاری از نتیجه‌گیریها نیز منطقی به نظر می‌رسند (آوری ۱۳۶۳).

جدیدترین اثر تاریخی انگلیسی تحت عنوان “Anglo Iranian Oil Dispute of 1951 – 1952 and dates back to 1954” به قلم آلن دلبلیو فورد در سال ۱۹۵۴ منتشر گردیده است (Ford 1954). کتاب ماری

آن هیس با عنوان "Empire and Nationhood – the united States, Great Britain, and Iranian oil, 1950 – 1954" توضیحات جدیدتری را در مورد نقش انگلیس در برکناری محمد مصدق ارائه می‌دهد. این توضیحات برای درک بافت تاریخی سودمند است، ولی نمی‌توان در خصوص روابط دو جانبه معاصر به آن رجوع نمود (Heiss 1997).

در کتاب نگرشی بر تاریخ ایران نوین نوشته جوزف/ام آبتون، نویسنده ضمن بررسی تاریخ ایران از عهد فتحعلیشاه تا بعد از ملی شدن صنعت نفت ایران، به جریان‌ات فکری و سیاسی متمایل به غرب اهمیت بیشتری داده است. همانگونه که از نام کتاب پیداست از بسیاری از جزئیات تاریخی این دوران صرف نظر شده و مطالب بیشتر مجمل است. (آبتون ۱۳۶۱).

منوچهر محمدی در کتاب مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی پس از ارایه تعریفی از دولت‌های مستقل، وابسته و تحت سلطه به اهداف قدرتهای ذینفوذ و سلطه‌گر در ایران طی دوران حکومت پهلوی اول و دوم پرداخته است. او در این مورد چنین می‌نویسد: دوران قاجار دوره نفوذ قدرتهای صاحب نفوذ و وابستگی دولتمردان ایرانی به آنها بود و دوره پهلوی دوره سلطه قدرتهای سلطه‌گر، بویژه انگلستان بود و دولتمردان ایرانی در این دوره که عموماً از اعضای شبکه فراماسونری بودند آلت‌های بلاراده‌ای در دست قدرتهای سلطه‌گر و مجری منویات ایشان بودند. براساس این کتاب، سیاست‌های انگلیس در ایران دو هدف را دنبال می‌کرد، یکی اینکه با توجه به اهمیت مستعمره هند، مانع گسترش نفوذ سایر قدرتهای استعمارگر در مرزهای غربی هند، یعنی ایران گردد و دیگر اینکه با اخذ امتیازات اقتصادی منافع بیشتری را در ایران کسب کند.

نویسنده ضمن تشریح سیاست و جایگاه انگلیس در جهان، تحولات روابط خارجی ایران را در دوران پهلوی شرح داده است. وی در ابتدای کتاب از دو روش برای بررسی و تحلیل روابط خارجی دوران پهلوی نام می‌برد، یکی آنکه سیاست خارجی نظام پهلوی بعنوان نظامی مستقل مورد تحلیل قرار گیرد و دوم آنکه تغییرات سیاست خارجی رژیم پهلوی تابعی از میزان قدرت و نفوذ دولت‌های حامی تلقی و تحلیل شود، زیرا بخاطر ضعف درونی خود چاره‌ای جز قبول نفوذ و رعایت منافع دولت‌های قدرتمند غربی نداشته است. نویسنده خود به روش دوم اعتقاد دارد (محمدی ۱۳۷۷).

با گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی، تالیفاتی در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انتشار یافته است اما آثاری که در این خصوص انتشار یافته تنها به بخشی از مسائل در روابط سیاسی دو کشور پرداخته‌اند و فاقد تبیینی از سیاست خارجی دو کشور پس از پیروزی انقلاب تاکنون هستند. کتاب نخست با عنوان «روابط ایران و انگلستان» حاوی پنج مقاله در خصوص روابط ایران و انگلستان در

موضوعات روابط انگلستان و ایالات متحده آمریکا، روابط تجاری ایران و انگلستان، لابی یهودیان در انگلستان و روش‌شناسی فعالیت سیاسی انگلیس در ایران است. در این کتاب، در مقاله آقای رحمن قهرمانپور به روابط ویژه آمریکا - بریتانیا و تاثیر آن بر روابط ایران پرداخته می‌شود و همسویی منافع انگلستان و ایالات متحده آمریکا طرح شده است. این کتاب فاقد تحلیلی در خصوص علل فرارز و نشیب‌های روابط سیاسی ایران و انگلیس است (ابرار معاصر ۱۳۸۴).

کتاب دوم با عنوان عملکرد یازده ساله دولت محافظه‌کار مارگارت تاچر به قلم محمد شکرانی به بررسی خصوصیات فردی و سیاست عملی تاچر پرداخته و در فصول مختلف کتاب عملکرد دولت تاچر را در رابطه با کشورهای اسلامی و روابط سیاسی با ایران بررسی کرده است. در این کتاب بر نقش تعیین‌کننده منافع دائمی انگلیس بر سیاست خارجی این کشور تاکید شده است و با تقسیم روابط این کشور با ایران به چهار دوره تاریخی به هر یک از این دوره‌ها عنوانی داده و به تحلیل منافع مورد نظر انگلیس پرداخته شده است. (شکرانی ۱۳۷۲).

در کتاب *دانیل پاییز با عنوان "The Rushdie Affair – The Novel, the Ayatollah and the West"* نویسنده تلاش کرده توضیح دهد چرا کتاب «آیات شیطانی» ایران و جهان اسلام را تکان داد. اما این تلاش به واکنش‌های انگلیس و تاثیر آن بر روابط دو جانبه معطوف نگردیده است. (Pipes 2003). در کتاب "Fiction, Fact and the Fatwa – 2000 days of Censorship" که در سال ۱۹۹۴ از سوی «گروه حقوق بشر ماده ۱۹» منتشر گردیده است، وقایع نگاری تلاش این گروه در دفاع از رشدی به تحریر در آمده است (Humman Rights Group 1994). اثر توضیحی مشابه دیگر کتاب *نیلز فرد نیلسن تحت عنوان "Freedom of Expression – the acid test"* است که به بررسی واکنش کشورهای اسکاندیناوی در قبال ایران پس از صدور فتوا می‌پردازد (Nielson 2003). مقاله *دوینا میلر* در خصوص "British Foreign Policy, human Rights and Iran" در کتاب "New Labour's Foreign Policy; A new moral crusade?" منتشر شده در سال ۲۰۰۰، به بررسی روابط معاصر میان ایران و انگلیس می‌پردازد. وی معتقد است که ملاحظات اخلاقی، از جمله حقوق بشر برای تاثیر گذاشتن بر تماس با جمهوری اسلامی ایران قربانی شده‌اند. وی دلیل این امر را یکی قطع روابط دولت حزب کارگر با شورای ملی مقاومت ایران و دوم پذیرش موضع ایران در خصوص فتوا ذکر می‌نماید. البته باید گفت که طبق اطلاعات موجود انگلیس توانست از وابستگی‌های متقابل نامتقارن اقتصادی به عنوان یک مشوق اقتصادی در روابط با ایران استفاده کند. (Miller 2000).

سایر کتبی که در این حوزه می‌توانند مورد توجه قرار گیرند به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بطور کلی اختصاص دارند. کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تالیف علیرضا ازغندی شامل تعاریف

مربوط به مقوله‌های مرتبط با سیاست خارجی و تحولات آن پس از جنگ سرد است. بحث اصلی مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در فصل اول تحت عنوان جهت‌گیری‌ها و گفتمان‌های سیاست خارجی گنجانده شده است که گفتمان سیاست خارجی کشورمان را در دوره پس از انقلاب به چهار دوره اصلی تقسیم نموده است. فصل آخر نیز به بحث نخبگان وزارت امور خارجه و ساختار و اهداف این وزارتخانه اختصاص یافته است. (ازغندی ۱۳۸۲).

در مجموع در این کتاب به عنوان یک کتاب درسی برای تبیین شرایط حاضر جهانی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران تلاش شده است وضعیت ایران از نظر اتخاذ مواضع در سیاست خارجی تبیین شود. به نظر می‌رسد تحلیل گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همچنان جای بحث و بررسی وسیعتری دارد، مضافاً اینکه این کتاب بطور خاص به روابط سیاسی ایران و انگلیس نپرداخته است.

در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، نویسنده پس از بررسی چارچوب نظری سیاست خارجی ایران با طرح شش فرضیه سعی می‌کند این موضوع را بررسی کند که با توجه به ظرفیت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب اهداف و استراتژی ملی کشور چه نوع ائتلاف و ترکیب فراملی با کدام منطق فکری و جغرافیایی قابل حصول است. بحث به صورتی روان و روشن مطرح شده و نویسنده تلاش نموده با کمک گرفتن از آمار و ارقام به مباحث خود غنای بیشتری بخشد. در مجموع نویسنده با نگاه نقاد به اهداف جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی نگرینسته و تلاش نموده تا نشان دهد اهداف با مقدمات همخوانی نداشته و باید در جهت هماهنگی بیشتر اهداف با مقدمات گام برداشت. نویسنده نتیجه می‌گیرد که بدون قاعده‌مندی ارتباطات با مراکز قدرت جهانی، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به ائتلاف‌های منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف دست یابد (سریع القلم ۱۳۷۹).

امیر محمد حاجی یوسفی در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای چنین نظر می‌دهد که منابع موجود در مورد سیاست خارجی نه تنها انگشت شمارند، بلکه بعضاً در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی از چارچوب علمی خارج گشته‌اند و ایدئولوژیک و غیرمستند هستند. نویسنده با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در برهه زمانی بعد از فروپاشی شوروی ۲۰۰۱ - ۱۹۹۱ در منطقه تحلیل نموده تا پیامدهای تغییرات محیط منطقه‌ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید. نویسنده تأکید می‌نماید مطالعه علمی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن محدودیت‌ها فرصت‌ها و فشارها امری ضروری می‌نماید (حاجی یوسفی ۱۳۸۴).

در کتاب یادشده با آزمون فرضیه اصلی این نتیجه به دست آمده که تحولات در محیط اطراف ایران مهم‌ترین تأثیر را بر رفتار این کشور داشته و موجب بروز تغییراتی در سمت‌گیری سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی به انزواگرایی، به عمل‌گرایی و ائتلاف‌سازی شده است. نویسنده در بخش نتیجه‌گیری چنین می‌نویسد: تداوم سیاست ایران در دهه ۱۹۹۰ میلادی مبتنی بر خصومت و ضدیت غیرقاعده‌مند با امریکا منجر به انزوای فزاینده ایران شد. و سپس اتخاذ سیاست «موازنه از طریق همراهی» را توصیه می‌نماید. مطالب کتاب از انسجام برخوردار است و در موارد نیاز از آمار نیز بهره گرفته شده است، گرچه همچون سایر کتب بررسی شده فاقد بحث خاص در مورد ایران و انگلیس است.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر آن است که با توجه به فقدان تبیین علمی قابل قبول از تنش در روابط سیاسی ایران و انگلیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به رفع این نقیصه در ادبیات موجود بپردازد.

متغیرهای دخیل

با توجه به امکان‌پذیری اتخاذ دیدگاه‌های متفاوت در بررسی دگرگونی‌ها در روابط ایران و انگلیس، می‌توان عوامل چندی را به عنوان علل تنش در روابط دو کشور در نظر گرفت:

۱- مغایرت سیاست خارجی ایران با منافع انگلیس: مقامات انگلیسی بارها در اظهارات خود بیان داشته‌اند که انگلستان دوست یا دشمن دائمی ندارد، بلکه منافع دائمی دارد. بنابر این می‌توان اینگونه فرض کرد که تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در موضوعات مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی از دید مقامات لندن باعث به خطر افتادن منافع آن کشور می‌شود. به تناوب می‌توان این برداشت سیاستمداران انگلیسی را در وقایع مختلف سیاسی از جمله به عنوان مثال ماجرای رستوران میکونوس مشاهده نمود.

۲- ذهنیت منفی تاریخی ایرانیان نسبت به انگلیس: روابط دیرینه ایران و انگلیس که بیش از سه قرن قدمت دارد و همچنین سابقه طولانی برخوردهای استعماری این کشور در دوران قاجاریه این ذهنیت را ایجاد کرده که همیشه پشت پرده سیاست ایران، لندن حضور داشته است. کنار آمدن با روسیه در جنگ‌های ایران و روسیه، اسناد به دست آمده از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان، امضای قرارداد ۱۹۱۹، اخذ امتیاز استعماری نفت جنوب، مشارکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هر یک حاکی از حضور فعال دیپلماسی پیدا و

پنهان انگلیس در سیاست داخلی ایران است. خاطرات تلخ تاریخی در اذهان ایرانیان می‌تواند به عنوان یک مانع روانی در راه بهبود روابط دو کشور پس از تغییر نظام سیاسی در ایران تلقی گردد.

۳- صدور فتوای مهدور الدم بودن سلمان رشدی: فتوای امام خمینی علیه سلمان رشدی را مهم‌ترین مانع ایجاد رابطه بین ایران و بریتانیا برشمرده‌اند. از سویی، دولت انگلیس به شدت در برابر این فتوا ایستادگی کرد و آن را مخالف موازین حقوق بین‌الملل و بشر و آزادی بیان برشمرد. در حالی که از سوی دیگر بالاخره اعتراف نمود که توهین به مقدسات یک دین الهی نیز مذموم است. حفاظت از رشدی سالی یک میلیون پوند برای دولت انگلیس هزینه داشت (حنفی ۱۳۷۷).

۴- موقعیت ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای: موقعیت ایران در خلیج فارس از نظر سیاست خارجی انگلیس با منافع آن کشور در تضاد قرار دارد. با خاتمه جنگ خلیج فارس در فوریه ۱۹۹۱، انگلستان با تمامی کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس و همچنین سلطان نشین عمان قرارداد دو جانبه دفاعی امضا کرد. ایران به دلیل مرز طولانی، موقعیت استراتژیک و اشراف بر تنگه هرمز نقش موثری را در امنیت منطقه ایفا می‌کند (مجتهدزاده ۱۳۷۲: ۱۱۵ - ۸۵).

به‌علاوه انگلیس حامی عراق در جنگ آن کشور علیه ایران بوده است. لذا موقعیت ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای با منافع انگلیس در تضاد قرار می‌گیرد و از این منظر می‌توان گفت که انگلیس تمایلی به قبول ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای ندارد.

۵- تباین سیاست خاورمیانه‌ای انگلیس و جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر: سیاست این دو کشور در خصوص صلح خاورمیانه، حمایت از گروه‌های فلسطینی و لبنانی و تحولات سیاسی در منطقه دارای تضاد است. مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه از موانع بهبود در روابط بین ایران و انگلیس به شمار می‌رود.

۶- تفاوت ایدئولوژیک: وجود تعارض اساسی در اصول اعتقادی و تضاد در نظام‌های فکری و سیاسی دو طرف مانع از شکل‌گیری روابطی طبیعی و عاری از حساسیت بین ایران و انگلیس شده است (قاسمی ۱۳۷۸: ۹ - ۱).

با عنایت به موارد یادشده و ادغام متغیرهای همسو به نظر می‌رسد مهمترین متغیرهای تنش‌زا در روابط خارجی ایران و انگلیس را می‌توان چنین در نظر گرفت:

۱) خواست انگلیس برای حفظ ساختار نظام بین‌الملل: تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، نظام دو قطبی بر جهان حاکم بود و قرار داشتن ایران در اردوگاه غرب، منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش را